

فهرست مطالب

.....	کلیات	۱
.....	الف. ارکان علوم	۱
.....	ب. ارکان علم فقه	۲
.....	ج. قواعد فقه	۳
.....	د. نظریه فقهی	۴
.....	هـ. تقسیمات احکام	۵
.....	۱. احکام عقلی و احکام شرعی	۵
.....	۲. احکام ارشادی و احکام مولوی	۶
.....	۳. احکام تأسیسی و احکام امضائی	۷
.....	۴. احکام تکلیفی و احکام وضعی	۹
.....	و. بعضی اصطلاحات رایج در فقه	۹
.....	۱. اماره و اصل	۹
.....	۲. شرط	۱۳
.....	۳. علت و سبب	۱۷
.....	۴. مقتضی و مانع	۱۹
.....	۵. حق و حکم	۲۰

۲۰ یک) تعریف حق
۲۱ دو) اقسام حق
۲۲ سه) تعریف حکم
۲۲ چهار) ویژگی‌های حکم
۲۴ پنج) نحوه تشخیص حق از حکم
۲۵ شش) حکم موارد شک و تردید
۲۶ هفت) مصادیق مورد حق و حکم
۲۹ قاعده ید
۲۹ تعریف ید و کاربردهای مختلف آن در حقوق اسلامی
۳۰ مالکیت و سیر تاریخی آن
۳۲ ید به عنوان اماره مالکیت
۳۳ مصادیق ید
۳۵ مدرک و مستندات حجیت ید
۳۵ الف. سیره
۳۶ ب. بنای عقلا
۳۷ ج. اجماع
۳۷ د. سنت

- ۴۰ ارزیابی ادله
- ۴۱ ید اماره است و نه اصل
- ۴۲ مبانی اماره بودن ید
- ۴۳ تعارض بینة و ید
- ۴۳ تعارض اصل استصحاب با قاعده ید
- ۴۵ حاکمیت ید در غیر مقام تنازع
- ۴۷ حاکمیت ید در مقام تنازع
- ۵۲ کاربرد قاعده ید در موارد احتمال و قفیت
- ۵۶ نقد و بررسی
- ۵۸ حاکمیت ید در منافع
- ۶۰ نقد و بررسی
- ۶۱ حاکمیت ید در حقوق
- ۶۲ حاکمیت ید در اعراض و انساب
- ۶۴ حجیت ید برای ذوالید
- ۶۵ تعدد ایادی بر مال واحد
- ۶۶ نزاع اموال در زندگی مشترک
- ۶۷ تحلیل و بررسی
- ۶۹ قاعده ید در قانون مدنی ایران
- ۷۰ نقش تصرف در حق ارتفاق
- ۷۱ کاربرد ید در مواقع تنازع از نظر قانون مدنی ایران
- ۷۲ اقرار ذوالید در دادگاه
- ۷۲ تعارض یدین
- ۷۳ تعارض یدین بدون وجود بینة
- ۷۳ دیدگاه اول: لزوم ادای سوگند
- ۷۴ دلایل دیدگاه لزوم حلف

- ۷۴ الف. قواعد باب قضا
- ۷۵ ب. قیاس اولویت
- ۷۵ فروض حلف صاحبان ید
- ۷۷ نقد و بررسی دیدگاه اول
- ۷۷ پاسخ به ایراد
- ۷۸ دیدگاه دوم: عدم لزوم ادای سوگند
- ۷۹ دلایل دیدگاه علم لزوم حلف
- ۷۹ الف. روایت ابوموسیٰ اشعری
- ۸۰ ب. قاعده عدل و انصاف
- ۸۱ ب. اجماع
- ۸۱ تعارض یدین با وجود ینه
- ۸۱ الف. رجوع به قرعه
- ۸۲ ب. رجوع به مرجحات
- ۸۳ ج. تصنیف (نظریه مشهور)
- ۸۳ دلایل دیدگاه تصنیف
- ۸۷ قاعده ضمان ید
- ۸۸ مستند قاعده ضمان ید
- ۸۸ الف. بنای عقلا
- ۸۸ ب. سیره اسلامی
- ۸۹ ج. حدیث «عَلَى الْيَدِ»
- ۸۹ سند حدیث «عَلَى الْيَدِ»

- ۹۰..... بیان مفاد حدیث
- ۹۲..... نقد و بررسی حدیث
- ۹۴..... جهل و عمد
- ۹۵..... ید ضمانی و اقسام آن
- ۹۶..... فاعلیت و علیت در فرض تلف
- ۹۶..... وضعیت حقوقی واریز پول به حساب بانکی
- ۹۷..... ضمان منافع
- ۹۸..... منافع مستوفات و غیر مستوفات
- ۱۰۱..... منافع گوناگون و متضاد
- ۱۰۲..... ضمان کار استیفا شده
- ۱۰۳..... ضمان محرومیت از کار
- ۱۰۴..... نقد و بررسی
- ۱۰۶..... ضمان کار در قوانین جاری
- ۱۰۷..... شیوه‌های ابراء ذمه
- ۱۰۷..... الف. بازگرداندن اصل مال در صورت موجود بودن آن
- ۱۰۹..... ب. جبران خسارت در صورت ناقص و یا معیوب شدن مال
- ۱۱۰..... ج. پرداخت بدل در صورت وجود عین و عدم امکان رد آن
- ۱۱۰..... د. پرداخت معادل در صورت تلف عین

کلیات

الف. ارکان علوم

تمام علوم سه رکن اساسی دارند که اهل فن از آن‌ها به «اجزای علوم» تعبیر می‌کنند و به شرح زیر عبارتند از: موضوع، مبادی و مسائل:

۱. موضوع: موضوع هر علم، چیزی است که در آن علم از عوارض ذاتی آن بحث می‌شود و مطالب علمی، در اطراف آن، نفی و اثبات می‌گردد. مثلاً در علم حساب، تمام مطالب، از قبیل جمع، تفریق، ضرب و تقسیم در مورد عدد است و یا در علم پزشکی، تمام مطالب مربوط به بدن انسان است و لذا در علم حساب، عدد و در علم پزشکی، بدن آدمی موضوع محسوب می‌گردند.

۲. مبادی: مبادی علم به طور اجمال عبارت است از تعریفات و تصدیقاتی که قبل از ورود به هر علم در مورد موضوعات و محمولات آن علم به عمل می‌آید و برای آگاهی و شناخت دانش پژوه مفید و لازم است، به نحوی که بدون تصور و تصدیق آن‌ها ورود به آن علم شایسته نیست.

۳. مسائل: مسائل هر علم در تمام قلمرو آن علم، مطلوب و مورد نظر جویندگان آن است. در اصطلاح اهل منطق، مسائل را به خاطر آنکه منظور و هدف نهایی پژوهندگان است، «مطالب» نامیده‌اند.

ب. ارکان علم فقه

علم فقه از داشتن سه رکن اساسی فوق مستثنا نیست و مانند سایر دانش‌ها دارای اجزای سه گانه زیر است:

۱. موضوع فقه: در علم فقه در مورد احکام پنجگانه تکلیفی (وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و اباحت) و احکام وضعی از قبیل سببیت، شرطیت، مانعیت، صحت، فساد و بطلان سخن به میان می‌آید.

ولی توجه به احکام فوق نشان می‌دهد که همگی آن‌ها عوارض و شئون افعال مکلفان هستند و بنابراین، موضوع علم فقه عبارت است از «افعال مکلفان». احکام تکلیفی و وضعی عوارض ذاتی این افعال است که در فقه در مورد آن‌ها بحث و گفتگو می‌شود.

۲. مبادی: مبادی علم فقه، شناختن اجزا و موضوعات و آگاهی از منابع استنادی آن‌ها و نیز تحلیل قضایای کلیه‌ای است که به عنوان «کبری» و قاعده کلی در علم فقه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بسیاری از مبادی علم فقه که چندان بلاهت عقلی ندارند باید در علم دیگری بررسی شوند و لذا بخشی از مبادی علم فقه در علم اصول فقه تحلیل و بررسی می‌شوند؛ چنان‌که بخشی از مبادی فلسفه نیز در علم منطق بررسی می‌گردند.

۳. مسائل: قضایایی از قبیل: «نماز واجب است»، «روزه واجب است» و «عقد بیع لازم است» از مسائل فقه هستند. در این گونه قضایا، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود احکام، اعم از تکلیفی و وضعی، محمول قضیه را تشکیل می‌دهند و موضوع قضایا، افعال بندگان است. مباحث مربوط به شکل و ماهیت عبادات و معاملات نیز از مسائل علم فقه به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، مسائل فقه، مباحثی هستند که در باب قوانین و مقرراتی که پروردگار در مورد جزئیات اعمال و رفتار بندگان وضع کرده، مطرح می‌شوند.

ج. قواعد فقه

قواعد فقه، فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارد، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعددی قرار می‌گیرند.

به یک اعتبار، قواعد فقه بخشی از مسائل فقه و به اعتباری دیگر، از مسائل علم اصول فقه هستند و وجوه مشترکی با هر دو دارند، ولی تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها مشاهده می‌شود؛ بدین توضیح که با مسائل علم اصول این تفاوت را دارند که قواعد فقهی چنان هستند که فقط واسطه و وسیله استنباط و کشف احکام گردند، چراکه قواعد فقهی به یک اعتبار، خودشان «احکام» هستند و نه واسطه‌ای برای کشف، درحالی که مسائل علم اصول چنین وصفی دارند. برای مثال، قاعده «لاضرر و لااضرار» خود حکمی شرعی است که به موجب آن، ایراد ضرر و زیان به دیگری و یا «احکام ضرری» نفی شده است. هرچند بر مبنای این قاعده، فتاوی متعددی از فقیه صادر می‌گردد، ولی این نکته بدان معنا نیست که قاعده مزبور، وسیله و ابزار و به عبارت دیگر، دستور و مرجع کشف حکم شرعی باشد. به دیگر سخن، می‌توان گفت: «علم اصول روش کشف و استنباط احکام شرعی است، ولی قواعد فقه نهادها و بنیادهای کلی فقهی هستند که با توجه به کلیت و شمول خود، فقیه در موارد مختلف از آن‌ها استفاده می‌کند».

از طرفی، قواعد فقه با مسائل فقه این تفاوت را دارند که عام و شامل هستند، نه خاص و موردی. به طور مثال، فرق است میان قاعده «لاضرر که یک حکم کلی است با این مسئله که می‌گوید: هرگاه چاه منزل کسی به دیگری خسارت وارد سازد، او باید از عهده جبران خسارات وارد برآید».